



خلفای راشدین

و حقوق مالی خویشاوندان رسول ﷺ

نگارنده: دکتر محمد خدایار رحمانی

استاد دارالعلوم زاهدان

امام بخاری رحمته الله علیه در صحیح البخاری از حضرت عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایتی با این الفاظ نقل کرده است: «... عن عائشة أنّ فاطمة و العباس أتيا أبابكر يلتزمان ميراثهما ارضه من فذك و سهمه من خيبر، فقال ابوبكر: سمعت النبي ﷺ يقول: «لا نورث ما تركنا صدقة إنما يأكل آل محمد في هذا المال» و الله لعراية رسول الله ﷺ أحب إليّ أن اصل من قرابتي»^(۱)

حضرت صدیقه فرمود: فاطمه زهرا و عباس عموی پیامبر ﷺ به نزد ابوبکر صدیق آمدند و از او میراث خود را از زمین فدک و خمس خیبر خواستند، حضرت ابوبکر صدیق فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: از ما انبیاء کسی ارث نمی برد، آنچه بعد از خود می گذاریم صدقه است. ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمودند: همانا خاندان پیامبر ﷺ از این مال می خورند و فرمود: سوگند به خدا صله رحمی با خویشاوندان آن حضرت برایم عزیزتر از آن است که با خویشاوندان خود صله رحمی داشته باشم.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه می فرمایند: «این حدیث را تنها حضرت ابوبکر روایت نکرده، حضرت عمر و عثمان و علی و طلحة و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف و عباس بن عبدالمطلب و ازواج مطهرات و حضرت ابوهریره رضی الله عنه نیز روایت کرده اند».

در تأیید این روایت در کتابهای اهل تشیع نیز روایات متعددی آمده، ما به ذکر برخی از آنها بسنده می کنیم.

در اصول کافی از امام صادق رضی الله عنه روایتی با این الفاظ نقل شده: «عن ابی عبد الله رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ ... و إنّ العلماء ورثة الانبياء، إنّ الانبياء لم يورثوا ديناراً و لا درهماً و لكن

در شماره (۲ و ۳) عنوان مقاله ام (صحابه و روابطشان با خاندان پیامبر ﷺ) بود.

در آن دو مقاله سعی شد تا روابط حسنه آن بزرگواران با یکدیگر ثابت گردد و در آن راستا روایات و وقایع متعددی که نقل شده متعلق به دوران حیات طیبه رسول اکرم ﷺ و قبل از دوران خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود.

و اینک در این نوشتار درصدد آنیم تا به توفیق ایزد منان دوام آن روابط گرم و صمیمانه جان نثاران رسول خدا ﷺ را در دوران خلافت خلیفه اول، صدیق اکبر به اثبات برسانیم.

از مسایل جنجال برانگیز و بغرنجی که در جامعه اسلامی مطرح است و باعث رنجش و کدورت در میان آن بزرگان جلوه داده شده، مسأله حقوق مالی خویشاوندان رسول الله ﷺ است.

آیا در دوران خلافت صدیق حقوق مالی خویشاوندان رسول الله ﷺ به ویژه حضرت زهرا دخت گرامی حضرت ختمی مرتبت به او نرسیده؟! آیا نسبت به او تعدی و اجحافی شده؟! آیا روابط حسنه ای که در دوران حیات طیبه رسول خدا ﷺ بین آنان وجود داشت، بعد از رحلت آن حضرت ﷺ به سردی گرایید و موجب کدورت شد؟!؟

برای پاسخ دادن به این پرسشها بهتر است ابتدا تحقیق و بررسی ای پیرامون ارث انبیاء رضی الله عنهم داشته باشیم تا بتوانیم مسأله مطرح شده را برای خوانندگان محترم بطور واضح و روشن بازگو نماییم.

از دیدگاه اهل سنت انبیاء رضی الله عنهم بعد از خود برای خویشاوندان و بازماندگان خود مال دنیوی به ارث نمی گذارند و اموالشان در راه اسلام و منافع امت وقف می شود. در این راستا در کتابهای اهل سنت روایات متعددی نقل شده، ما در اینجا به بررسی برخی از آنها می پردازیم:

۱- صحیح البخاری ج: ۵ ص: ۳۰ حدیث شماره: ۴۰۳۵/۴۰۳۶ دارالکتب العلمیة چاپ بیروت سال طبع ۱۴۱۲ هـ ق - ۱۹۹۲ م

اورثوا العلم، فمن أخذ منه، أخذ بحظ وافر»^(۱)

حضرت امام صادق از رسول الله ﷺ روایت کرده است که رسول خدا فرمود: «علما وارثان انبياء علیهم السلام هستند، انبیا از خود دینار و درهم به ارث نگذاشتند، ارث آنان علم بود، هر کسی از آن چیزی بر گرفت، بهره زیادی برده است».

حضرت علی کرم الله وجهه به فرزندش محمد حنفیه چنین توصیه کرده است: «... و تفقه فی الدین فإن الفقهاء ورثة الانبياء، إن الانبياء لم يورثوا دیناراً و لا درهماً و لكنهم ورثوا العلم، فمن أخذ منه أخذ بحظ وافر»^(۲)

حضرت علی پسرش محمد حنفیه را توصیه نموده، فرمود: «فرزندم در دین درک و فهم حاصل کن، زیرا فقها وارثان پیامبران هستند، پیامبران دینار و درهم از خود به ارث نمی گذارند ارث آنان علم است، کسی که از آن چیزی بدست آورده بهره و نصیب زیادی بدست آورده است».

حضرت فاطمه زهرا، هم در آخرین لحظات زندگی آن حضرت ﷺ حضرت حسن و حسین رضی الله عنهما را خدمت رسول الله ﷺ برد و فرمود: «یا رسول الله هذان ابناک فورثهما شیئاً فقال: اما الحسن فإن له هبیتی و سؤدی، و اماالحسین فإن له جریتی و جودی»^(۳) «ای رسول خدا این دو تا فرزندان تو هستند، به آنان چیزی ارث بده»، پیامبر ﷺ فرمود: «برای حسن هبیت و سرداری من و برای حسین دلیری و سخاوت من است».

رسول الله ﷺ به حسنین چیزی از اموال دنیوی ارث نداد، از اینرو معلوم می شود که قبلاً تمام اموال و مایملک خود را در راه خدا و اسلام وقف کرده بود و گر نه چیزی به آنان ارث می داد.

عقلاً هم ارث گذاشتن انبیاء برای بازماندگان، سبب مشکل و سوء ظن می گردد، زیرا اگر انبیاء علیهم السلام برای بازماندگان و خویشاوندان متاع و مال دنیوی به ارث گذارند، مورد اتهام و اعتراض قرار می گیرند زیرا مردم در مقابل کسی که او را پیامبر خدا قبول دارند از مال و جان خود دریغ نمی کنند حتی پذیرش مال و جان از سوی پیغمبر را برای خود سعادت و خوشبختی می دانند.

از اینرو اگر پیغمبر اموالی را که در فتوحات و غیره بدست می آید در رفاه و آسایش اولاد و خویشاوندانش بکار برد و ملک شخصی آنان قرار دهد مخالفین خواهند گفت: که او برای جمع آوری مال و منافع دنیوی ادعای پیغمبری نموده است. اما اگر مال پیغمبر در منافع امتش قرار گیرد و پیغمبر

منافع مسلمانان را بر منافع خود ترجیح دهد و اعلان کند که بعد از او اموالش در راه خدا و نفع مسلمانان وقف خواهد بود و بازماندگانش نمی توانند آن اموال را در مالکیت خود در آورند در چنین صورتی بر پیامبر اعتراض وارد نخواهد شد. یاران رسول خدا ﷺ به ویژه آل و خاندان رسول در هر کار و

از دیدگاه اهل سنت انبیاء بعد از خود برای خویشاوندان و بازماندگان خود مال دنیوی به ارث نمی گذارند و اموالشان در راه اسلام و منافع امت وقف می شود.

عمل، قدم بقدم از رسول الله ﷺ تبعیت نموده، به وی تاسی می جستند. لذا از دیدگاه اهل سنت، عمل ایشان دلیل بر فعل و عمل رسول الله ﷺ تلقی می شود. حضرت جابر انصاری می فرماید: «لم یکن احد من الصحابة ذو مقدرة الا وقف»^(۴) یعنی هیچ صحابی ثروتمندی نبود که چیزی از مال خود را وقف نکرده باشد.

در فروع کافی که از کتابهای معتبر و مهم برادران اهل تشیع است، وصیت حضرت علی کرم الله وجهه چنین نقل شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما اوصی به، و قضی به فی ماله عبدالله علیّ ابتغاء لوجه الله تعالی، لیدخلنی به الجنة و یصرفنی به عن النار، و یصرف النار عنی یوم تبيض وجوه و تسود وجوه، إن ما کان لی من ینبع من مال یعرف لی فیها و ما حولها صدقة»^(۵) «بنام خدا، این آن چیزی است که بنده خدا علی بخاطر خشنودی خدا و برای آنکه خداوند به سبب این کار او را وارد بهشت کند و او را از آتش جهنم و آتش جهنم را از او - در آن روزی که برخی چهره ها سفید و برخی سیاه

۱- اصول کافی با ترجمه و شرح فارسی آیه الله شیخ محمد باقر کمره ای ج: اول باب ثواب عالم و متعلم. ناشر: انتشارات اسوة، تاریخ انتشار ۱۳۷۲ هـ ش

۲- من لا یحضر الفقیه ج: ۴ ص: ۲۸۴، بیروت - لبنان سال چاپ: ۱۴۰۲ هـ ق - ۱۹۸۶ م

۳- نهج البلاغة لابن ابی الحدید ج: ۱۶ ص: ۱۰ دار احیاء الکتب العربیة سال چاپ ۱۳۸۲ هـ ق ۱۹۶۲ م و کتاب الخصال لابن بابویه القمی - مکتبة الصدوق - سال چاپ ۱۳۸۹ هـ ق - ۱۳۴۸ هـ ش - ج: ۱ ص: ۷۷

۴- شرح لمحه - طبع تهران ج: ۱ ص: ۲۳۴

۵- تحقیق فدک نوشته سید احمد شاه بخاری نقل از فروع کافی ج: ۳ ص: ۲۸ چاپ لکهنو -

می شوند - به دور دارد در مال خود انجام داده است و آن این است که تمام زمینهایی که در ینیع و اطراف آن از آن من است وقف هستند».

و در ادامه آن وصیت فرمود: «هذه الصدقة واجبة بتلة حياً أو ميتاً ینفق فی کل نفقة یتغی بها وجه الله تعالی فی سبیل الله و وجه ذوی الرحم من بنی هاشم و بنی عبدالمطلب و القریب و البعید، فإنه یقوم علی ذلك الحسن بن علی». «این صدقه واجب شده و قطعی است. خواه زنده باشم یا بمیرم از این مال برای خشنودی خدا و در راه الله بین خویشاوندان، از قبیل بنو هاشم و بنو مطلب و خویشاوندان نزدیک و دور انفاق شود و این کار بعهدہ حسن بن علی است».

و نیز در ادامه همین توصیه می فرماید: «و أنه یشرط علی الذی یجعله الیه ان یتراک المال علی اصوله و ینفق ثمره حیث امرته به فی سبیل الله و وجهه ذوی الرحم من بنی هاشم و بنی المطلب و القریب و البعید لا بیاع منه شیء و لا یوهب و لا یورث». «حضرت علی علیه السلام به آن کسی که این کار را به او محول می کند، توصیه می نماید که اصل مال را بگذارد و محصول آن را در راهی که به او امر شده در راه خدا و خشنودیش و بین خویشاوندان از قبیل بنو هاشم و بنو مطلب و دیگر خویشاوندان نزدیک و دور انفاق کند. چیزی از آن فروخته و یا هبه نشود و به ارث هم برده نشود».

در فروع کافی وصیت حضرت زهرا و امام جعفر صادق و در من لا یحضره الفقیه وصیت امام موسی کاظم نقل شده که این بزرگان هم اموال خود را در راه خدا وقف کردند، لذا عمل این عزیزان خود دلیلی قوی بر عمل مرشد و مراد و رهبرشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، چون ایشان مقلد و پیرو واقعی آن حضرت صلی الله علیه و آله بودند.

البته اگر سؤال وارد شود که با وجود آیات متعددی که دلالت بر میراث دارند و با وجود عمل امت مسلمة که ارث در میان آنان جاری است، چگونه ممکن است که بازماندگان پیامبر از وی ارث نبرند؟

در پاسخ به این سؤال عرض می شود که انبیاء علیهم السلام دارای خصوصیتها و ویژگیهایی هستند که افراد امت دارای آن خصوصیت و ویژگی نیستند؛ مثلاً بطور همزمان بیش از چهار همسر داشتن از ویژگیهای پیامبر صلی الله علیه و آله است و افراد امت نمی توانند بطور همزمان بیش از چهار همسر داشته باشند.

مسئله ارث هم از همین مقوله است. از اینرو اعتراض وارد نمی شود. لذا با توجه به روایات و

وقایعی که بیان شد، مسأله ارث انبیا متفی است. اما اموالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حیات طیبه اش از آن استفاده می کرد و بعد از وی بطور وقف برای خویشاوندان آن حضرت صلی الله علیه و آله و فقراء مسلمین و در راه خدا از آن استفاده می شد عبارت بودند از: محصول فدک، صدقه های زمینهای بنی نضیر در مدینه منوره و خمس خیبر.

فدک روستایی در سرزمین حجاز است در میان آن و مدینه منوره مسافت دو الی سه روز راه بطور متوسط با شتر است. در این روستا گروهی از یهود ساکن بودند. در سال هفتم هجری قمری پس از فتح خیبر اهالی این روستا مرعوب و هراسان شده بدون جنگ به این شرط که نصف زمینها و باغهای این روستا از مسلمانان باشد با رسول الله صلی الله علیه و آله و مسلمانان صلح کردند. و عمر فاروق رضی الله عنه در دوران خلافتش نصف دیگر آن روستا را از اهالی آن خرید و اهالی آن روستا را از آنجا بیرون کرد. به هر حال مال و زمین و چیزی که بدون کار زار از کفار بدست مسلمانان آید مال فیء نامیده می شود چنین مالی در اسلام بنا بر آیه شریفه: «ما آفأ الله علی رسوله من اهل القری لله و للرسول و لذی القریب و الیتمی و المساکین و ابن السبیل»^(۱) از آن خدا و رسولش و خویشاوندان رسول و یتیمان و تهیدستان و مسافران در راه مانده می باشد و فرد خاصی مالک آن نمی باشد.

ترجمه آیه: «چیزی را که خداوند از اهالی این آبادیها به پیغمبرش ارمغان داشته است متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و مستمندان و مسافران در راه مانده می باشد»^(۲).

از اینرو نصف زمینها و باغهای فدک که در حیات طیبه رسول خدا صلی الله علیه و آله به تصرف مسلمانان در آمد مال فیء محسوب می شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله از محصول آن بقدر نیاز برای اهل بیت و خویشاوندانش مصرف می نمود و باقیمانده را در راه خدا به فقراء و تهیدستان انفاق می کرد. در معجم البلدان ذکر شده که فاطمه زهرا رضی الله عنها از رسول الله خواست تا فدک را به او هدیه کند اما رسول الله نپذیرفت و فرمود: برای تو شایسته نیست که آن را از من بخواهی و برای من شایسته نیست که آن را به تو بدهم. الفاظ روایت چنین است: «... ذکر آن فاطمة سألته ان یهبها لها فأبی» و قال: «ماکان لك ان تسألینی،

۱- سوره حشر آیه ۷

۲- تفسیر نور - دکتر مصطفی خرم دل

و ما كان لي أن أعطيك...»^(۱)

در کتابهای معتبر اهل سنت حدیث صحیحی روایت نشده که ثابت کند، رسول الله ﷺ فدک را به حضرت فاطمه هدیه کرد. تمام روایاتی که در این زمینه نقل شده ضعیف اند و رجال آن محل بحث قرار گرفته اند، علاوه بر آن بین روایات مطالبه ارث و هبه تضاد و تناقض وجود دارد.

پس از بررسی موجود به پاسخ پرسشهای مطرح شده می پردازیم.

حضرت صدیق، حقوق خویشاوندان رسول ﷺ را تلف نمود بلکه به همان شیوه رسول خدا ﷺ عمل کرد. اما چرا این اموال را در ملکیت آنان قرار نداد، علت آن بود که او به قول رسول الله ﷺ استناد کرد که فرموده بود از ما پیامبران

حضرت امام صادق از رسول الله روایت کرده است که رسول خدا فرمود: «علما و ارباب انبیاء هستند، انبیا از خود دینار و درهم به ارث نگذاشتند، ارث آنان علم بود، هر کسی از آن چیزی برگرفت، بهره زیادی برده است.»

کسی ارث نمی برد، ارث ما علم و احادیث ما هستند. در بخاری و کتابهای دیگر نقل شده وقتی فاطمه و عباس رضی الله عنهما از ابوبکر صدیق حق خود را از میراث پیامبر ﷺ مطالبه نمودند، ابوبکر صدیق قول رسول الله را برای آنان بیان کرد و گفت: محصول فدک و حقوق دیگر خویشاوندان رسول الله بهمان شیوه ای که در حیات طیبه پیامبر ﷺ به آنان می رسید، در بین آنان توزیع خواهد شد و من در شیوه تقسیم و اعطاء حقوق به خاندان رسول الله ذره ای تغییر بوجود نخواهم آورد.

بنابر این در عصر صدیق و فاروق حقوق خاندان پیامبر بطور کامل به آنان می رسید حتی علی کرم الله و وجهه در دوران خلافتش به همان شیوه رفتار نمود و هیچ گونه تغییری در آن به وجود نیاورد.

در شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید آمده است^(۲) که وقتی زهرا میراث خود را از ارث رسول خدا مطالبه کرد، ابوبکر رضی الله عنه قول رسول الله را برایش بیان نموده، فرمود: من به همان شیوه پیغمبر در آن عمل خواهم کرد حضرت زهرا از ابوبکر صدیق عهد و پیمان گرفت که آن را بهمان شیوه تقسیم کند حضرت ابوبکر رضی الله عنه به او قول داد که به همان شیوه

تقسیم کند. الفاظ روایت چنین نقل شده: «... قالت (فاطمه): اصنع بها كما يصنع بها ابی»^(۳) حضرت فاطمه فرمود: «در آن عمل کن بهمان شیوه ای که پدرم عمل می کرد». در جواب ابوبکر صدیق فرمود: «... فلك على الله ان اصنع فيها كما يصنع فيها ابوك» «برای تو بر خودم خدا را گواه می گیرم که در آن به همان شیوه پدرت عمل کنم» حضرت فاطمه فرمود: «... الله لتفعلن» «با خدا عهد می کنی که عمل کنی»، ابوبکر فرمود: «... الله لافعلن» «با خدا عهد می کنم که عمل کنم».

در پایان حضرت فاطمه فرمود: «اللهم اشهد» «خدایا گواه باش».

در پایان روایت ابن ابی الحدید چنین می فرماید: «... كان ابوبکر يأخذ غلتها فيدفع منها ما يكفيهم و يقسم الباقي، و كان عمر كذلك ثم كان عثمان كذلك، ثم كان علي كذلك»^(۴)

«ابوبکر از محصول فدک بقدر نیاز به خویشاوندان رسول الله ﷺ می داد و باقیمانده را بین نیازمندان تقسیم می کرد». پس از وی هر سه خلیفه (عمر و عثمان و علی) رضی الله عنهم به همان شیوه تقسیم نمودند و تغییراتی در آن به وجود نیاوردند. ابن میثم بحرانی شارح نهج البلاغه چنین روایت کرده است: «... كان ابوبکر يأخذ غلتها فيدفع اليهم منها ما يكفيهم، ثم فعلت الخلفاء بعده كذلك»^(۵) «ابوبکر از محصول فدک بقدر نیاز به آنان (خویشاوندان رسول) می داد و خلفای بعد از وی هم همان شیوه را اختیار نمودند». ناگفته نماند که ابن الحاج حسین هم در الدرّه النجفیه شرح نهج البلاغه این روایت را نقل کرده است.

سید علی نقی فیض الاسلام چنین نوشته است: «خلاصه ابوبکر غلّة و سود آن را گرفته بقدر کفایت به اهل بیت علیهم السلام می داد و خلفا بعد از او بر آن اسلوب رفتار نمودند»^(۶) در دوران خلافت ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما خمس محصول خیبر هم در میان خویشاوندان پیامبر ﷺ تقسیم می شد. توزیع این اموال را در بین خاندان پیامبر حضرت علی بعهدہ داشت؛ علی مرتضی کرم الله و وجهه

۱- معجم البلدان ج: ۲ - ص: ۲۴۰، دار إحياء التراث العربی - بیروت

۲- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید جزء شانزدهم ص: ۲۱۶

۳- مصدر سابق

۴- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید جزء شانزدهم ص: ۲۱۶

۵- شرح نهج البلاغه لابن میثم بحرانی جلد پنجم ص: ۱۰۷ منشورات موسسه النصر سال چاپ: ۱۳۸۴ هج

۶- ترجمه و شرح نهج البلاغه از فیض الاسلام علی نقی ج: ۵ ص: ۹۶۹ چاپ تهران

می فرمایند: «... اجتمعت أنا و العباس و فاطمة و زید بن حارثه عند النبی ﷺ فقلت: یا رسول الله ان رایت ان تولینی حقنا من هذا الخمس فی کتاب الله عزوجل فاقسمه حیاتک کیلا ینازعنی احد بعدک، فافعل، قال: فافعل ذالک، قال فقسمته حیاة رسول الله ﷺ ثم ولّٰئیه ابوبکر حتی إذا کانت آخر سنة من سنی عمر فانه آتاه مال کبیر فعزل حقنا، ثم ارسل الیّ فقلت: بنا عنه العام غنی و بالمسلمین الیه حاجة فارڈده علیهم، فردّه علیهم» (۱)

حضرت علی کرم الله وجهه در این روایت می فرماید: «من و عباس و فاطمه و زید ابن حارثه نزد رسول خدا ﷺ بودیم. من گفتم: ای رسول خدا اگر صلاح بدانید مسئولیت تقسیم حق ما از این خمس را، به من محول کنید تا بعد از شما کسی در این کار با من اختلاف نکند. رسول خدا هم این مسئولیت را به من محول کرد، و من در حیات طیبه رسول الله ﷺ این خمس را بین بنو هاشم و بنو مطلب تقسیم می کردم، ابوبکر و عمر هم این مسئولیت را به من سپردند تا اینکه در آخرین سال خلافت عمر فاروق مال غنیمتی زیادی به نزد خلیفه آمد خلیفه حق ما را جدا نموده مرا خواست تا آن مال را تحویل بگیرم و در بین خویشاوندان رسول تقسیم کنم، من در جواب گفتم: امسال ما نیازی به این مال نداریم و مسلمانان به آن نیاز دارند، پس آن مال را به مسلمانان باز گردان، در نتیجه خلیفه آن مال را در بین مسلمانان تقسیم نمودند».

در این روایت بطور صریح ذکر شده که در دوران زندگی رسول الله ﷺ و دو خلیفه اول (ابوبکر و عمر) علی این مال - خمس خیر - را در میان خویشاوندان رسول تقسیم می کرد. و حضرت صدیق و فاروق رضی الله عنهما هیچ نوع تغییری در تقسیم آن اموال بوجود نیاوردند و طبق روش پیغمبر ﷺ مال را توزیع می نمودند.

از روایت بخاری که در ابتدای این نوشتار نقل شد، چنین بر می آید که حضرت فاطمه و عباس رضی الله عنهما این اموال را بطور ارث و ملکیت از ابوبکر صدیق مطالبه کردند و ابوبکر صدیق رضی الله عنهما حدیث رسول الله ﷺ را برای آنان بیان کرد. اما حضرت علامه انور شاه کشمیری رحمته الله در عرف شذی شرح ترمذی، قول سمهودی را نقل کرده است، که خواسته زهرا و عباس بطور ملکیت نبوده، بلکه آنها خود را متولی موقوفه رسول الله ﷺ می پنداشتند، صدیق هم بخاطر اینکه مردم فکر می کنند که آنها از پیغمبر ﷺ ارث برده اند به خواسته آنان پاسخ مثبت نداد، اما در دوران خلافت عمر فاروق، چون این سوء ظن پیش نمی آمد، حضرت فاروق رضی الله عنهما

حضرت علی و عباس رضی الله عنهما را متولی این اموال موقوفه قرار داد تا محصول آن را کما فی السابق بین خاندان رسول الله ﷺ تقسیم کنند. روایت شرح نهج البلاغه که در آن فاطمه از ابوبکر صدیق عهد گرفت تا به شیوه پدرش در آن اموال عمل کند، مؤید این اندیشه است.

پس از بررسی موجود، جواب این پرسش را که آیا به خویشاوندان رسول الله ﷺ ظلمی شده؟ یا آیا حقی از آنان تلف شده؟ از زبان آل و خویشاوندان رسول ﷺ بشنوید.

ابوطالب محمد بن علی بن الفتح الحربی العشاری در کتابش به نام «کتاب فضائل ابی بکر الصدیق» از امام محمد باقر بن زین العابدین چنین نقل کرده است: «... عن کثیر النوال قال: قلت لابی جعفر: آخرین عن ابی بکر و عمر أظلمنا من حکم شیئاً؟ قال: لا! و منزل القرآن علی عبده لیكون للعالمین نذیراً ما ظلمانا من حقنا ما یزن حبة خردل» (۲)

کثیر النوال فرمود: «به امام محمد باقر گفتم: از ابوبکر و عمر بگو، آیا چیزی در حق شما ظلم کردند؟ امام فرمود: خیر قسم به آن ذاتی که قرآن را بر بنده اش - رسول الله - نازل کرد تا برای جهانیان بیم دهنده باشد، آنان به اندازه دانه خردلی در حق ما ظلم نکردند».

علامه نور الدین سمهودی در جزء سوم «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی» همین روایت را از طریق «ابن شیه» مفصل تر نقل کرده است در آخر روایت چنین نقل شده که کثیر النوال از امام باقر پرسید: «... جعلت فداک أفاتولأهماء؟» فدایت شوم آیا آنان (ابوبکر و عمر) را دوست داشته باشم؟ حضرت امام باقر فرمود: «نعم و یحک تولهما فی الدنیا و الاخرة و ما اصابک ففی عتقی» «بله در دنیا و آخرت آنان را دوست داشته باش و در این راستا هر چه به تو رسید برگردن من (بعهدة من) است». سپس فرمود: «فعل الله بالمغیره و یتان فانهما کذبا علینا اهل البیت» «خدا با مغیره بن سعید و بنان همان برخورداری را کتاد که سزاوارش هستند زیرا آنان بر ما اهل بیت دروغ گفته اند».

ابن ابی الحدید در جزء شانزدهم شرح نهج البلاغه در بحث فدک فصل اول صفحه ۲۲۰ همین روایت را نقل کرده، ما به خاطر پرهیز از طولانی بودن بحث، از نقل آن خوداری نمودیم.

۱- ابوداود ج: ۲ کتاب الخراج ص: ۶۱ چاپ ایچ ایم سعید کمپنی کراچی پاکستان

۲- کتاب فضائل ابی بکر الصدیق لابی طالب محمد بن علی العشاری

پس از گواهی امام باقر علیه السلام مناسب خواهد بود، قول برادرش زید الشهدا ابن زین العابدین را خدمت خوانندگان محترم

در عصر صدیق و فاروق حقوق
خاندان پیامبر بطور کامل به آنان
می رسید حتی علی (رض) در دوران
خلافتش به همان شیوه رفتار نمود
و هیچ گونه تغییری در آن به وجود
نیامورد.

عرضه کنیم، زیرا قول این بزرگواران برای ما ملاک و حجت است. امام شهید می فرماید: «اگر در مسأله فدک من به جای ابوبکر می بودم همان حکم را صادر می کردم که ابوبکر صادر کرد». قول امام شهید چنین نقل شده است: «... قال زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب: أما أنا فلو كنت مكان ابی بکر لحکمت بمثل ما حکم ابوبکر فی فدک».^(۱)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه قول زید شهید را چنین نقل کرده است: «قال زید (ابن علی بن الحسین): ان ابابکر کان رجلاً رحیماً و کان یکره ان ینتقل شیئاً فعله رسول الله صلی الله علیه و آله و ایم الله لورجع الامر الی لقضیت فیها بقضاء ابی بکر»^(۲) امام شهید فرمود: «همانا ابوبکر مرد مهربانی بود، و دوست نداشت چیزی را که پیغمبر انجام داده تغییر دهد و به خدا قسم اگر این مسأله (مسأله فدک) به من واگذار می شد، من در آن همان قضاوت و حکمی را صادر می کردم که ابوبکر درباره آن صادر کرد».

ابوبکر صدیق رضی الله عنه به خاندان و خویشاوندان رسول صلی الله علیه و آله ارادت خاص و فوق العاده ای داشت به گفته مجلسی - از علمای شیعه - صدیق به زهرا چنین گفت:

«... در هر امر عظیمی دوست نمی دارد شما را مگر سعادت مندی و دشمن نمی دارد شما را مگر هر بدبختی پس

شما عترت پاکیزه رسولید و نیکان و برگزیدگان و راهنمایان مائید بسوی خیر و سعادت و جنت و توفی برگزیده زنان و دختر بهترین پیغمبران....

بخدا قسم که من از رای رسول خدا تجاوز نکرده ام و آنچه کرده ام باذن او کرده ام و خدا را گواه می گیرم که شنیدم از رسول خدا که گفت: ما گروه انبیاء میراث نمی گذاریم نه طلا و نه نقره و نه خانه و نه عقار و نیست میراث ما مگر کتابها و حکمت و علم پیغمبری....»^(۳)

آیا کسی که چنین ارادت و اعتقادی نسبت به زهرارضی علیها السلام داشته باشد. حق او را ضایع و تلف می نماید؟ در حالیکه خود از آن مال استفاده شخصی نکند.

آیا ابوبکری که به گفته علامه امینی - از علمای شیعه - «تا رسول الله صلی الله علیه و آله زنده بود رفتار قابل انتقادی از او دیده نشد»^(۴) پس ابوبکری که پس از ایمان آوردن به خدا و رسولش تمام اموال خود را در راه خدا انفاق نمود، حتی روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از وی می پرسد در خانه برای بچه هاییت چه گذاشتی، می فرماید خدا و رسولش را گذاشتم - یعنی هر چه داشتم آوردم چیزی جز عشق و محبت به خدا و رسولش در خانه نگذاشتم - آیا شایسته این نیست که یک دانشمند شیعه - علامه امینی - درباره اش بگوید: «نشناختن حق ابوبکر از جنایات فاحش به شمار می رود».^(۵)

خداوند مسلمانان را به خط مشی صحابه راهنمایی و توفیق عمل عنایت بفرماید، تا با هم الفت و محبت داشته باشند.

«و ما ذلک علی الله بعزیز»

۱- البدایة و النهایة لابن کثیر جلد پنجم ص: ۲۹ و الاعتقاد علی مذهب السلف، و السنن الکبری للبیهقی جلد ۶

۲- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید جزء شانزدهم در اخبار وارده درباره فدک ص: ۲۲۰

۳- حق الیقین از محمد باقر مجلسی ص: ۲۰۲/۲۰۱ انتشارات قائم - تهران

۴- دایرة المعارف تشیع نقل از القدر - جلد اول ص: ۳۸۴ - نشر شهید سعید محبتی تهران - سال چاپ ۱۳۷۵ هـ

۵- مصدر سابق